غصب های سقیفه ای

غصب های مختلف مالی پس از واقعه سقیفه

برگرفته از بیانات ارزشمند
آیت الله استاد سید احمد مددی الموسوی

بقلم:
سید محمد علوی

بسم الله الرحمن الرحیم

فدک و غصب آن، و حواشی مرتبط با این واقعه، از جمله اموری می باشد که در قرن اول هجری، باعث بروز اختلافات شدیدی فی ما بین بسیاری از بزرگان اصحاب و تابعین شده است، و به تبع در طول تاریخ اسلامی، محل و تبادل نظرات متفاوتی شده است، تا جایی که شاید بتوان اینچنین ادعا کرد که بروز این اتفاق، از جمله دلایل اصلی اختلاف بین شیعه و اهل سنت بوده است.

اما فدک، تنها غصب صورت گرفته از سوی دستگاه خلافت، بعد از رحلت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وآله نمی باشد، بلکه مواردی به مراتب با ارزشتر و مهمتر از زمین فدک، پس از شورای سقیفه، از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام غصب شده است، در حالی که در بین علمای بزرگ شیعه و بزرگان حتی اهل سنت، به ندرت به این مسئله و حواشی مربوط به آن توجه شده است.

در این نوشتار، در صدد بیان برخی از زوایای پنهان این وقایع، با توجه به بیانات ارزشمند حضرت آیت الله سید احمد مددی الموسوی می باشیم، امید است که این مختصر مورد قبول اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) قرار گیرد.

عبارت (انا معاشر الأنبياء لا نورث)

متن عبارت:

فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لاَ نُورَثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةٌ»

(نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري جلد : ٤ صفحه : ٧٩ - جلد : ٨ صفحه : ١٤٩ - جلد : ٥ صفحه : ٨٩)

روایت فوق به نقل از ابوبکر، در بسیاری از کتب شیعه و اهل سنت از جمله صحیح بخاری، وارد شده است، و نقض و ابرام هایی از سوی شیعه بر سند و دلالت این روایت وارد شده است، اما نقل این روایت در کتب شیعه، و استدلال ایشان بر بطلان مدلول این روایت، در صورتی صحیح و تمام می باشد، که قید (معاشر الأنبیاء) در متن روایت وجود داشته باشد، در حالی که قید مذکور، نه تنها در صحیح بخاری، بلکه در سائر منابع معتبر اهل سنت نیز وجود ندارد، و تنها در برخی روایات ضعیف از نظر مبانی اهل سنت، نقل شده است.

در صورتی که قید (معاشر الأنبیاء) در حدیث مذکور ثابت نباشد، یکی از اشکالات اساسی شیعه به این روایت با مشکل مواجه خواهد بود، چرا که علمای شیعه در نقض این روایت، به آیات و احادیثی استناد می فرمایند که در آنها پیامبران الهی برای ورثه خود، میراث باقی گذاشته اند، و از طرفی حتی در اسرائیلیات ضعیف نیز روایتی دال بر صدقه دادن اموال و وسائل به جا مانده از انبیاء پیشین وجود ندارد، و به همین دلیل حدیث (انا معاشر الأنبیاء) صحیح نمی باشد، در حالی که طبق نقل صحیح

بخاری و دیگر کتب معتبر اهل سـنت، قید (معاشر الأنبیاء) در روایت وجود ندارد، بنابر این طبق نظر اهل سنت، رسـول الله صلی الله علیه و آله و سلم، نه در صدد اخبار از سیره رسل و پیامبران سـابق بوده اند و و نه در مقام انشـاء حکمی جدید برای پیامبران پیش از خود، بلکه تنها در مورد میراث خود، این حکم را جعل فرموده اند.

لازم به ذکر است که روایت مذکور، در برخی از کتب اهل سنت، به صورت (انا لا نوَرِّث ما ترکناه صدقه) نیز نقل شده است، که به معنای این است که: ما چیزی را که به عنوان صدقه در دنیا در حال حیات قرار داده ایم، دیگر جزء میراث وارثان و فرزندان خود قرار نمی دهیم.

اقول والله العالم:

عبارت (معاشر الأنبیاء) در برخی از کتب معتبر اهل سنت از جمله مسند احمد و السنن الکبری نسائی، نقل و مورد قبول واقع شده است.

متن کتاب مسند احمد:

حَدَّثَنَا وَكِيعٌ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ أَبِي الزِّنَادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِنَّا مَعْشَرَ (معاشر) الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكْتُ بَعْدَ مَئُونَةِ عَامِلِي، وَنَفَقَةِ نِسَائِي، صَدَقَةٌ).

(نام کتاب : مسند أحمد – ط الرسالة نویسنده : أحمد بن حنبل جلد : ١٦ صفحه : ٤٧)

متن کتاب سنن کبری:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ الْمَكِّيُّ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ مَالِكِ بْنِ أَوْسِ بْنِ الْحَدَثَانِ، قَالَ: قَالَ عُمَرُ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ، وَسَعْدٍ، وَعُثْمَانَ، وَطَلْحَةَ، وَالزُّبَيْرِ، أَنْشُدُكُمْ بِاللهِ الَّذِي قَامَتْ لَهُ

السَّـمَوَاتُ وَالْأَرْضُ، سَـمِعْتُمُ النَّبِيَّ صَـلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَـلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّا مَعْشَرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكْنَا فَهُوَ صَدَقَةٌ»؟، قَالُوا: اللهُمَّ نَعَمْ.

(نام کتاب : السنن الکبری نویسنده : النسائي جلد : ٦ صفحه : ٩٨)

هرچند شـــاید بتوان ادعاء کرد، عبارت (معاشر الأنبیاء) نه از زبان ابوبکر، که در نقل قول عمر بن خطاب و ابوهریرة و از جانب ایشـان ذکر گردیده اسـت، اما آنچه به نقل مسـتقیم از ابوبکر در کتب روائی و حدیثی معتبر موجود می باشد، بدون عبارت (معاشر الأنبیاء) می باشد.

مجموعه ی دعاوی

مجموعه ی دعاوی مطرح شده از سوی اهل بیت علیهم السلام، پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، مختلف بوده است، بنابر این اثبات یا ردّ هر یک از این موارد نیازمند دلایل و براهین مختص به خود می باشد.

١- باغ فدک

٢- سهم اهل بیت از محصول خیبر

٣- باغ های اطراف مدینه

٤- سهم اهل بیت از هشتصد هزار درهم بحرین

٥- میراث شخصی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله

باغ فدک

تصرفات غاصبانه مخالفان اهل بیت علیهم السلام، بر طبق نقل های مختلف تاریخی، بلافاصله پس از رحلت رسول مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، رخ داده است، در صورتی که فاصله فدک تا مدینه، حدوداً پنج روز (امروزه فدک ۲۵۵ کیلومتر با مدینه فاصله دارد) بوده است، و برای غصب فدک، لااقل ده الی پانزده روز زمان لازم بوده است، اما اخراج عمال حضرت زهرا سلام الله علیها، بلافاصله پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است، با توجه به بعد مسافت فدک از مدینه، و دیگر شواهد موجود، روشن می شود که اخراج عمال و کارگران حضرت زهراء توسط ابوبکر و غصب، ابتداءً مربوط به باغ یا باغ هایی غیر از فدک می باشد.

طبق نقل های تاریخی و روایی، باع های هفتگانه ای در داخل مدینه بوده است، که متعلق به حضرت زهراء و حضرت علی علیهما السلام بوده و توسط ایشان اداره می گردیده است، و ظاهراً اخراج عمال و کارگران حضرت زهراء پس از رحلت رسول الله ص از این باع ها بوده است.

وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَسْأَلُ أَبَا بَكْرٍ نَصِيبَهَا مِمَّا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ خَيْبَرَ، وَفَدَكٍ، وَصَدَقَتَهُ بِالْمَدِينَةِ، فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ عَلَيْهَا ذَلِكَ

(نام کتاب : صحيح البخاري نویسنده : البخاري جلد : ٤ صفحه : ٧٩)

البته ممکن منظور از غصب فدک بعد از رحلت رسول الله ص، ابتداءاً غصب محصولات فدک بوده باشد، و در مرحله بعد، مدتی پس از رحلت رسول الله ص، فدک نیز غصب شده باشد.

آیه (آت ذا القربی حقه) مکی یا مدنی؟

آیه ی فوق دو مرتبه در قرآن کریم در سوره های مکی تکرار شده است، اما این مطلب با نازل شدن این آیه در مدینه و بعد از جنگ خیبر و در مورد فدک نیز، منافاتی ندارد، چرا که در مصـــادر روایی فراوان شیعه و اهل سنت، نزول آیه (وآت ذا القربی حقه) بدون (والمسکین و ابن السبیل)، توسط جبرئیل در حد استفاضـه بل تواتر، نقل شـده اسـت. بنابر این نزول این آیه در مدینه منافاتی با مکی بودن سوره نخواهد داشت، چرا که تطبیق برخی آیات نازل شده بر حوادث مختلف بعد از نزول آیه نیز در مرتبه وحی می باشد و حجیت شرعی دارد.

اقول والله العالم: برخی از بزرگان اهل سنت در کتب حدیثی خود اشکال فوق اشکال فوق را مطرح نموده اند:

اشکال «ابن کثیر دمشقی»، به ماجرای بخشش فدک به حضرت زهرا سلام الله علیها:

(وهذا الحديث مشكل لو صح إسناده لأن الآية مكية وفدك إنما فتحت مع خيبر سنة سبع من الهجرة فكيف يلتئم هذا مع هذا فهو إذا حديث منكر والأشبه أنه من وضع الرافضة)

این حدیث مشکل است گرچه سندش هم صحیح باشد. زیرا این آیه در مکه نازل شده و فدک همراه با خیبر در ســال هفتم هجری فتح شــد. چگونه نزول آیه در مکه و بخشــش فدک در مدینه با هم

سازگار است. پس بنابراین حدیث حدیث منکر است. قول شبیه تر این هست که این را شیعه ها ساختند.

(تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱٤۰۱، ج۳، ص ۳۷)

پاسخ جلال الدین سیوطی از بزرگان اهل سنت به اشکال ابن کثیر:

(لما نزلت هذه الآیة (وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ) دعا رسول الله فاطمة فأعطاها فدك)

وقتی آیه (وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ) نازل شد، پیامبر فاطمه را خواست و فدک را به او بخشید.

(الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الکمال جلال الدین السیوطي، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۳، ج٥، ص ۲۷۳)

(صرح جماعة من المتقدمین والمتأخرین بأن من القرآن ما تکرر نزوله قال ابن الحصار قد یتکرر نزول الآیة تذکیرا وموعظة)

برخی از علمای متقدم و متأخر تصریح کرده اند که بعضی از آیات قرآن چند بار نازل شده است. ابن حصار گفته است که نزول آیه، گاهی به خاطر موعظه و یادآوری، تکرار می شود.

(الإتقان في علوم القرآن ، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر – لبنان – ١٤١٦هـ- ١٩٩٦م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب؛ ج١، ص ١٠٤)

کلام ابن ابی الحدید در مورد فدک

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغة، ظاهراً به نقل از استاد خود، ابوجعفر، می نویسد، ای کاش ابوبکر فدک را به حضرت زهرا پس می داد، هر چند طبق قواعد، حق با ابابکر بوده است.

متن عبارت ابن ابی الحدید:

و قد أخل قاضي القضاة بلفظة حكاها عن الشيعة فلم يتكلم عليها و هي لفظة جيدة قال قد كان الأجمل أن يمنعهم التكرم مما ارتكبا منها فضلا عن الدين و هذا الكلام لا جواب عنه و لقد كان التكرم و رعاية حق رسول الله ص و حفظ عهده يقتضي أن تعوض ابنته بشيء يرضيها إن لم يستنزل المسلمون عن فدك و تسلم إليها تطييبا لقلبها و قد يسوغ للإمام أن يفعل ذلك من غير مشاورة المسلمين إذا رأى المصلحة فيه و قد بعد العهد الآن بيننا و بينهم و لا نعلم حقيقة ما كان و إلى الله نرجع الأمور.

(نام کتاب : شرح نهج البلاغة نويسنده : ابن ابي الحديد جلد : ١٦ صفحه : ٢٨٦)

چرا حضرت علی علیه السلام، در زمان خلافت خود فدک را به اهل بیت علیهم السلام بازپس ندادند؟

پاسخ به این سوال، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال آن زمان و برخورد مسلمانان با حضرت علی علیه السلام مشخص می شود، چرا که حضرت علی علیه السلام، نه تنها فدک بلکه حتی کمتر از آن را نیز نمی توانستند تغییر دهند، تا آنجا که به نقل منابع تاریخی، زمانی که حضرت علی علیه السلام، دستور تعطیل نماز جماعت مستحبی را به دلیل بدعت بودن آن داده بودند، مسلمانان ندای وا سنة عمراه سر دادند و بعضی با اشک و گریه، در مقابل این اقدام حضرت ایستادگی کردند، و مانند همین استادگی را در مقابل عزل شریح قاضی توسط حضرت علی علیه السلام انجام دادند.

متن حدیث:

علي بن الحسن بن فضال عن احمد بن الحسن عن عمر وبن سعيد المدائني عن مصدق بن صدقة عن عمار عن ابي عبد الله عليه‌السلام قال : سألته عن الصلاة في رمضان في المساجد قال : لما قدم أمير المؤمنين عليه‌السلام الكوفة أمر الحسن بن علي عليه‌السلام أن ينادي في الناس لاصلاة في شهر رمضان في المساجد جماعة ، فنادى في الناس الحسن بن علي عليه‌السلام بما أمره به أمير المؤمنين عليه‌السلام فلما سمع الناس مقالة الحسن بن علي صاحوا : واعمراه واعمراه فلما رجع الحسن الى أمير المؤمنين عليه‌السلام قال له : ما هذا الصوت؟ فقال : يا أمير المؤمنين الناس يصيحون : واعمراه واعمراه ، فقال أمير المؤمنين عليه‌السلام : قل لهم صلوا.

(نام کتاب : تهذيب الأحكام نویسنده : شيخ الطائفة جلد : ۳ صفحه : ۷۰)

متن حدیث:

أمرت الناس أن لا يجمعوا في شهر رمضان إلا في فريضة، لنادى بعض الناس من أهل العسكر – ممن يقاتل معي –: (يا أهل الاسلام) وقالوا: (غيرت سنة عمر، نهيتنا أن نصلي في شهر رمضان تطوعا) حتى خفت أن يثوروا في ناحية عسكري.

(نام کتاب : کتاب سليم بن قيس نويسنده : الأنصاري، محمد باقر جلد : ١ صفحه : ٢٦٤)

باغ های هفتگانه ی مدینه

حوائط سبعه، نام هفت باغ در داخل مدینه، بین بقیع و مسجد قبا بوده است، که توسط غاصبان خلافت، پس از رحلت رسول الله ص، تصرف شده است، و بلافاصله عمال حضرت زهراء و امیرالمؤمنین علیهم السلام، از این باغ ها اخراج شده اند.

در زبان عرب، حدیقه به باغهایی اطلاق می شود که دیوار و حصاری نداشته باشد، و در صورت دیوارکشی و وجود حصار، به آن باغ حائط گفته می شود، و حش لفظی می باشد که برای باغچه های کوچک قابل استفاده می باشد.

اقول والله العالم:

متن حدیث از کتب اهل سنت:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بن جعفر عَنِ الْمِسْوَرِ بْنِ رِفَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ قَالَ: أَوَّلُ صَدَقَةٍ فِي الإِسْلامِ وَقْفُ رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَمْوَالَهُ لَمَّا قُتِلَ مُخَيْرِيقٌ بِأُحُدٍ. وَأُوصِي إِنْ أُصَبْتُ فَأَمْوَالِي لِرَسُولِ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فقبضها رسول الله ص، وَتَصَدَّقَ بِهَا.

(نام کتاب : الطبقات الکبری – ط العلمیة نویسنده : ابن سعد جلد : ۱ صفحه : ۳۸۸)

يؤيده ما في سنن أبي داود عن رجل من أصحاب النبيّ صلى الله عليه وسلم فذكر قصة بني النضير إلى إن قال فكانت نخل بني النضير لرسول الله صلى الله عليه وسلم خاصة أعطاها الله تعالى إياه فقال ما أفاء الله على رسوله منهم الآية قال فأعطى أكثرها المهاجرين وبقى منها صدقة رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي في أيدي بني فاطمة أي الحوائط السبعة

(نام كتاب : خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى نويسنده : السمهودي جلد : ٢ صفحه : ٤٦١)

ولما توفي صلى الله تعالى عليه وسلم وبويع بالخلافة أبو بكر رضي الله عنه في السنة الحادية عشرة، جاءت فاطمة رضي الله عنها إلى أبي بكر تطلب إرثها مما أعطاها الأنصار له صلى الله تعالى عليه وسلم من أرضهم وما أوصى به إليه صلى الله تعالى عليه وسلم وهو وصية مخيريق عند إسلامه، وهو سبعة حوائط بني النضير، وهو أول من وقف في الإسلام، ومما أفاء الله على رسوله من أرض بني النضير وفدك، ونصيبه من خيبر وما حصن الوطيح، وحصن السلالم، فقال لها أبو بكر: لست بالذي أقسم من ذلك شيئاً، ولست تاركاً شيئاً كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعمل به فيها إلا عمته، وأخشى إن تركت أمره أو شيئاً من أمره أن أزيغ، وقد قال صلى الله تعالى عليه وسلم: "لا نورث ما تركنا صدقة" ولكن أعول من كان رسول الله يعوله، وأنفق على من كان ينفق عليه، وكذلك منه أزواجه صلى الله تعالى عليه وسلم لما جئن يطلبن ثمنهن.

(نام كتاب : الروضة الفيحاء في أعلام النساء نويسنده : الخطيب العمري، ياسين جلد : ١ صفحه : ٥٩)

خیبر

در کتب اهل سنت، روایتی در رابطه با مطالبه حضرت زهرا سلام الله علیها، از سهم محصول خیبر، نقل شده است، این در حالی است که در کتب شیعه، کمتر اشاره ای به این مطلب شده است، در حالی که یکی از دعاوی مطرح شده از سوی حضرت زهراء سلام الله علیها وامیرالمؤمنین علیه السلام، سهم اهل بیت از محصول خیبر می باشد.

متن روایت:

۴۲۴۰ - حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ عُقَيْلٍ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ، عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلاَمُ، بِنْتَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللهَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا أَفَاءَ اللهُّ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ، وَفَدَكٍ وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمُسِ خَيْبَرَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللهَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لاَ نُورَثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةٌ، إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي هَذَا المَالِ»، وَإِنِّي وَاللهَّ لاَ أُغَيِّرُ شَيْئًا مِنْ صَدَقَةِ رَسُولِ اللهَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ حَالِهَا الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا فِي عَهْدِ رَسُولِ اللهَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَأَعْمَلَنَّ فِيهَا بِمَا عَمِلَ بِهِ رَسُولُ اللهَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدَتْ فَاطِمَةُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُوُفِّيَتْ...

(نام کتاب : صحيح البخاري نویسنده : البخاري جلد : ۵ صفحه : ۱۳۹)

در عرب جاهلی، در بین مکه و مدینه زمین ارزش اقتصادی نداشت، و اولین زمینی که به عنوان اقتصادی مطرح شد، ارض خیبر و بعد از آن زمین فدک بود، و پس از این دو ارض عراق با وسعتی ۳۶ ملیون جریبی در زمان خلیفه دوم به دست مسلمانان افتاد.

زمین های خیبر به دلیل وجود آبهای زیرزمینی قوی، بسیار حاصل خیز بوده اند، محصول خیبر، ما بین جو و گندم، سالیانه حدود چهل هزار تن بوده است، که طبق توافق یهودیان ساکن خیبر با مسلمانان، نیم یا ثلثی از این محصول متعلق به مسلمانان بوده است، و این مقدار توسط پیغمبر اسلام ص به هجده سهم تقسیم شده بود، و هر نفر مسئولیت صد نفر را بر عهده داشته اند و مجموعاً ۱۸۰۰ سهم بوده است.

متن کتاب ابو یوسف قاضی:

لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْبَرًا قَالُوا: يَا مُحَمَّدُ إِنَّا أَرْبَابُ الأَمْوَالِ وَنَحْنُ أَعْلَمُ بِهَا مِنْكُمْ فَعَامِلُونَا بِهَا؛ فَعَامَلَهُمْ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النِّصْفِ عَلَى أَنَّا إِذَا شِئْنَا أَنْ نُخْرِجَكُمْ أَخْرَجْنَاكُمْ؛ فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ أَهْلُ خَيْبَرَ سَمِعَ بِذَلِكَ أَهْلُ فَدَكٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحَيِّصَةَ بْنِ مَسْعُودٍ فَنَزَلُوا عَلَى مَا نَزَلَ عَلَيْهِ أَهْلُ خَيْبَرَ عَلَى أَنْ يَصُونَهُمْ وَيَحْقِنَ دِمَاءَهُمْ، فَأَقَرَّهُمْ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مِثْلِ مُعَامَلَةِ أَهْلِ خَيْبَرَ؛ فَكَانَتْ فَدَكُ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ وَذَلِكَ أَنَّه لَمْ يُوجِفْ عَلَيْهَا الْمُسْلِمُونَ بِخَيْلٍ وَلا رِكَابٍ.

(نام کتاب : الخراج نویسنده : أبو یوسف القاضي جلد : ۱ صفحه : ٦٢)

مجموعه کلمات قدمای اهل سنت در مورد خیبر، اختلافات عجیبی دارند. نخستین نوشتار راجع به خیبر، توسط ابو یوسف تدوین شده است، وی در قرن دوم هجری و در زمان امام موسی بن جعفر

(علیهما السلام) می زیسته. کتاب یحیی بن آدم نیز از کتب بسیار مفید و مورد استفاده در این زمینه می باشد، وی در این کتاب مطالب مرتبط با خیبر را به صورت مفصل نقل کرده است. پس از آن کتاب الأموال ابی عبید و... . نکته اساسی این است که در موضوع خیبر و تفاصیل مربوط به آن، باید به مصادر قدیمی رجوع و آنها را مورد بررسی قرار داد، چرا که در قرن های بعدی، خلط های فراوانی در کتب اهل سنت در موضوع خیبر به وجود آمده است.

طبق نقل کتب تاریخی اهل سنت، ارض خیبر ومحصول آن توسط خلیفه دوم عمر بن الخطاب، در حدود سال هفده یا بیست هجری، پس از اخراج یهودیان ساکن در خیبر، به حفصه و عایشه از همسران پیغمبر اسلام ص، تسلیم شده است، و به هر یک از دو همسر پیغمبر اسلام ص این اختیار داده شد که سهم خود را به صورت غلات و یا زمین های خیبر دریافت کنند، این در حالی است که رسول الله سهم خود را به صورت غلات در بین همسران خود تقسیم کرده بودند، و زمین های خیبر را تقسیم نکرده بودند، با این حال خلیفه دوم از زمین های خیبر به نا حق، سهم هایی برای دو همسر پیغمبر قرار داد، این در حالی است که از تعلق سهم خیبر، به حضرت زهراء سلام الله علیها و اهل بیت وی، نقلی صورت نگرفته است، در حالی که اگر سهم خیبر قابل توارث و تقسیم بوده است، دختر رسول الله ص اولی به این میراث می باشند.

متون اهل سنت در مورد اختیار غلات یا زمین در مورد هر یک از حفصه و عایشه متفاوت می باشد، برخی اختیار هر دو را بر غله، برخی بر زمین، و برخی تفصیل یکی از زمین و یکی از غلات، نقل کرده اند.

متن حدیث:

حَدَّثَنَا نَافِعٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّه عَامَلَ أَهْلَ خَيْبَرَ يشطر مَا يَخْرُجُ مِنْ زَرْعٍ وَتَمْرٍ، وَكَانَ يُعْطِي أَزْوَاجَهُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ كُلَّ عَامٍ مِائَةَ وَسْقٍ ثَمَانِينَ تَمْرًا وَعِشْرِينَ شَعِيرًا؛ فَلَمَّا قَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَسَّمَ خَيْبَرَ، وَخَيَّرَ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَقْطَعَ لَهُنَّ مِنَ الأَرْضِ أَوْ يَضْمَنْ لَهُنَّ الْمِائَةَ وَسْقٍ كُلَّ عَامٍ؛ فَاخْتَلَفْنَ عَلَيْهِ فَمِنْهُنَّ مَنِ اخْتَارَ أَنْ يُقْطَعَ لَهُنَّ وَمِنْهُنَّ مَنِ اخْتَارَ الأَوْسُقَ، وَكَانَتْ عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنهُ عَنْهُمَا مِمَّنِ اخْتَارَ الأَوْسُقَ.

(نام کتاب : الخراج نویسنده : أبو یوسف القاضي   جلد : ۱ صفحه : ۱۰۲)

هفت قلعه ی خیبر با فاصله سی و هفت کیلومتری از فدک، پس از اخراج یهودیان توسط عمر رو به ویرانی گذاشت، با این حال بقایای این بنا تا زمان حاضر موجود می باشد.

متن کتاب:

قَالَ: وَحَدَّثَنِي الْحَجَّاجُ بْنُ أَرْطَاةَ عَنْ نَافِعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَفَعَ خَيْبَرَ إِلَى أَهْلِ خَيْبَرَ بِالنِّصْفِ؛ فَكَانَتْ فِي أَيْدِيهِمْ فِي حَيَاةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَحَيَاةِ أَبِي بَكْرٍ وَعَامَّةِ وِلايَةِ عُمَرَ، ثُمَّ كَانَ عُمَرُ هُوَ الَّذِي نَزَعَهَا مِنْ أَيْدِيهِمْ.

(نام کتاب : الخراج نویسنده : أبو یوسف القاضي   جلد : ۱ صفحه : ٦١)

هشتصد هزار درهم

در یکی از منابع تاریخی اهل سنت، به نام تاریخ المدینه المنوره، متعلق به عمر بن شبّه نمیری که از سنیان متعصب و تندرو و تابع دستگاه خلاف می باشد، ذکر شده است که در روزهای آخر عمر رسول الله صلی الله علیه وآله، مبلغی نزدیک به هشتصد هزار درهم از اموال مسلمانان بحرین، به دست حضرت رسول رسیده بوده، و طبق ذکر کتب تاریخی، یکی از موارد مهم مطالبه حضرت زهراء واهل بیت علیهم السلام و بنی هاشم، خمس این مبلغ بوده است که به مراتب با ارزشتر از فدک و باغ های اطراف مدینه بوده است، و به احتمال قوی همین مبلغ در جهت آغاز خلافت ابوبکر، و همراه ساختن قبایل بوسیله رشوه و تقسیم اموال، استفاده شده است.

این مبلغ بسیار قابل توجه بوده است، چرا که برای نمونه طبق نقل واقدی که مقدار غنائم تمام فتوحات پیامبر ص نقل شده است، در جنگ بدر که حاصل تمام تجارت قریش در آن زمان بوده است، و هیچ یک از جنگهای صدر اسلام به این اندازه غنیمت منقول نداشته است، تنها صد هزار درهم به عنوان غنیمت نقل شده است.

متن حدیث:

حَدَّثَنَا الصَّلْتُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ شَبُّوَيْهِ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنْ قَتَادَةَ، قَالَ: " آخِرُ مَالٍ أُتِيَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَمَانِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، فَمَا قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ حَتَّى أَمْضَاهُ، وَلَمْ يَكُنْ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْتُ مَالٍ، وَلَا أَبِي بَكْرٍ، وَأَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَ بَيْتَ مَالٍ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ.

(نام کتاب : تاریخ المدینة نویسنده : ابن شبة جلد : ۳ صفحه : ۸۵۷) (نام کتاب : أدب الکتاب نویسنده : الصولي جلد : ۱ صفحه : ۱۹۰) (نام کتاب : المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والآثار نویسنده : المقریزي جلد : ۱ صفحه : ۱۷۳) (نام کتاب : الأوائل نویسنده : العسکري، أبو هلال جلد : ۱ صفحه : ۱۵۲) (نام کتاب : التمسك بالسنن والتحذیر من البدع نویسنده : الذهبي، شمس الدین جلد : ۱ صفحه : ۱۱۵)

در زمان رسول الله ص، مکانی برای جمع اموال بیت المال وجود نداشته است، و تنها اتاقی در مسجد النبی برای جمع آوری صدقاتی مانند خرما و امثال آن در نظر گرفته شده بود، و به آن بیت الصدقه می گفتند، و پیغمبر اکرم از سال هشتم شروع به جمع آوری ذکات فطره کردند و این کار در سال نهم و دهم نیز تکرار شد، اما پس از رسیدن مبلغ هشتصد هزار درهم از جانب بحرین، حضرت رسول ص، در صدد ایجاد مکانی خاص برای نگهداری بیت المال بوده اند.

ابن ابی الحدید در کتاب خود از تقسیم اموال جهت اخذ بیعت بعد از رحلت حضرت رسول ص، به تفصیل سخن رانده است، و طبق نقل وی روشن می شود که بسیاری از تمهیدات صورت گرفته جهت غصب خلافت از سوی غاصبان، به مدد بذل اموال و رشوه بوده است، و این اموال بر خلاف تصور برخی از متفکرین شیعه، نه از حاصل اموال فدک، بلکه از بیت المال مردم بحرین بوده است، زیرا در آمد فدک به صورت سالیانه بود و در زمان رحلت رسول اسلام ص قابل استفاده نبوده است.

کلام ابن ابی الحدید:

فلما اجتمع الناس على أبي بكر قسم قسما بين نساء المهاجرين و الأنصار فبعث إلى امرأة من بني عدي بن النجار قسمها مع زيد بن ثابت فقالت ما هذا قال قسم قسمه أبو بكر للنساء قالت أ تراشونني عن ديني و الله لا أقبل منه شيئا فردته عليه .

(نام کتاب : شرح نهج البلاغة نویسنده : ابن ابي الحديد جلد : ۲ صفحه : ۵۳) (البلاذري، أحمد بن يحيي بن جابر (متوفاى۲۷۹هـ)، أنساب الأشراف، ج ۱، ص۲۵، طبق برنامه الجامع الكبير) (الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابوعبدالله البصري (متوفاى۲۳۰هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۸۲ ناشر: دار صادر - بيروت) (ابن عساكر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن إبن هبة الله بن عبد الله (متوفاى۵۷۱هـ)، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج ۳۰، ص ۲۷۵، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵)

و به همین دلیل، روایت (لنا لا نورث) به تنهایی برای رها شدن از مطالبات بنی هاشم کافی نبوده است، و روایت دیگری نیز از سوی راویان اهل سنت، به این روایت ضمیمه شده است، حال آن که اغلب بزرگان شیعه آن را نقل نفرموده اند:

متن روایت (إِذَا أَطْعَمَ نَبِيًّا طُعْمَةً):

حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ جُمَيْعٍ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، قَالَ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، إِلَى أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، تَطْلُبُ مِيرَاثَهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، إِذَا أَطْعَمَ نَبِيًّا طُعْمَةً، فَهِيَ لِلَّذِي يَقُومُ مِنْ بَعْدِهِ"

(نام کتاب : المسند الموضوعي الجامع للكتب العشرة نویسنده : صهيب عبد الجبار جلد : ١ صفحه : ٣٢٢)

بنابر این اهل سنت، باغ فدک و سهم خیبر را از نوع طعمه خالص برای پیغمبر اکرم ص می دانستند، و به همین دلیل سرپرستی ولایت این نوع اموال پس از رحلت پیغمبر اسلام به دست خلیفه و جانشین وی بوده است.

اقول والله العالم:

در برخی از کتب معتبر اهل سنت، مانند صحیح بخاری، در ارتباط با جزیه ی اهل بحرین، روایاتی در تقسیم هشتاد هزار درهم بین صحابه توسط پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله، در سال آخر عمر مبارکشان، نقل شده است، در این روایات اطلاعات دقیقی در این رابطه ذکر گردیده است، مانند نام والی منصوب از طرف رسول الله صلی الله علیه وآله بر منطقه بحرین در آن زمان که العلاء بن عبد الله بن ضماد الحضرميّ بوده، و فردی که این اموال را از بحرین به مدینه منقل کرده که أبو عبيدة بن الجراح بوده، و زمان دقیق تقسیم این اموال که بعد از نماز صبح بوده، و حتی ذکر نام برخی از افرادی که از این اموال سهمی برداشته اند مانند عباس عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

علاوه بر این که عبارت (فَمَا قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ حَتَّى أَمْضَاهُ) در متن کتاب تاریخ المدینة، خود دلیل دیگریست بر تقسیم اموال اهالی بحرین، در همان مجلسی که اموال مورد نظر، تسلیم و تحویل پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله شده است.

متن کتاب صحیح بخاری:

حَدَّثَنَا عَبْدَانُ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، وَيُونُسُ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، أَنَّهُ أَخْبَرَهُ أَنَّ المِسْوَرَ بْنَ مَخْرَمَةَ، أَخْبَرَهُ أَنَّ عَمْرَو بْنَ عَوْفٍ، وَهُوَ حَلِيفٌ لِبَنِي عَامِرِ بْنِ لُؤَيٍّ، وَكَانَ شَهِدَ بَدْرًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَعَثَ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الجَرَّاحِ إِلَى البَحْرَيْنِ يَأْتِي بِجِزْيَتِهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُوَ صَالَحَ أَهْلَ البَحْرَيْنِ وَأَمَّرَ عَلَيْهِمُ العَلاَءَ بْنَ الحَضْرَمِيِّ، فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ مِنَ البَحْرَيْنِ، فَسَمِعَتِ الأَنْصَارُ بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ، فَوَافَوْا صَلاَةَ الفَجْرِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا انْصَرَفَ تَعَرَّضُوا لَهُ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ رَآهُمْ، ثُمَّ قَالَ: «أَظُنُّكُمْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدِمَ بِشَيْءٍ» قَالُوا: أَجَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «فَأَبْشِرُوا وَأَمِّلُوا مَا يَسُرُّكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا الفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ، وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تُبْسَطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا، وَتُهْلِكَكُمْ كَمَا أَهْلَكَتْهُمْ»

(نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري جلد : ۵ صفحه : ۸۴) (نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري جلد : ٤ صفحه : ۹٦) (نام کتاب : شرح القسطلاني = إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري نويسنده : القسطلاني جلد : ۹ صفحه : ۲٤٤)

متن کتاب التنبيه والإشراف:

ذكر السنة العاشرة من الهجرة وهي سنة «حجة الوداع» ... وقدم على رسول الله صلّى الله عليه وسلّم بمال البحرين، وهو ثمانون ألف درهم، وجه به العلاء بن عبد الله بن ضماد الحضرميّ، وكان حليفا لبني أمية وهو أول مال حمل إلى المدينة ففرقه على الناس.

(نام كتاب : التنبيه والإشراف نويسنده : المسعودي، علي بن الحسين جلد : ١ صفحه : ٢٣٩)

متن كتاب تفسير الثعلبي:

وقال قتادة: ذكر لنا أن نبي الله صلى الله عليه وسلم لما قدم عليه مال البحرين ثمانون ألفا، وقد توضأ لصلاة الظهر، فما أعطى يومئذ ساكنا ولا حرم سائلا حتى فرّقه، فأمر العباس أن يأخذ منه فأخذ، فكان العباس يقول: هذا خير مما أخذ منا، وأرجوا المغفرة.

(نام كتاب : تفسير الثعلبي = الكشف والبيان عن تفسير القرآن نويسنده : الثعلبي جلد : ٤ صفحه : ٣٧٤)

متن كتاب صحيح بخارى:

وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ يَعْنِي ابْنَ طَهْمَانَ، عَنْ عَبْدِ العَزِيزِ بْنِ صُهَيْبٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أُتِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَالٍ مِنَ البَحْرَيْنِ، فَقَالَ: «انْثُرُوهُ فِي المَسْجِدِ» وَكَانَ أَكْثَرَ مَالٍ أُتِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلّى الله عليه وسلم، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الصَّلاَةِ وَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ، فَلَمَّا قَضَى الصَّلاَةَ جَاءَ فَجَلَسَ إِلَيْهِ، فَمَا كَانَ يَرَى أَحَدًا إِلَّا أَعْطَاهُ، إِذْ جَاءَهُ العَبَّاسُ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَعْطِنِي،

فَإِنِّي فَادَيْتُ نَفْسِي وَفَادَيْتُ عَقِيلًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خُذْ» فَحَثَا فِي ثَوْبِهِ، ثُمَّ ذَهَبَ يُقِلُّهُ فَلَمْ يَسْتَطِعْ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اؤْمُرْ بَعْضَهُمْ يَرْفَعْهُ إِلَيَّ، قَالَ: «لاَ» قَالَ: فَارْفَعْهُ أَنْتَ عَلَيَّ، قَالَ: «لاَ» فَنَثَرَ مِنْهُ، ثُمَّ ذَهَبَ يُقِلُّهُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اؤْمُرْ بَعْضَهُمْ يَرْفَعْهُ عَلَيَّ، قَالَ: «لاَ» قَالَ: فَارْفَعْهُ أَنْتَ عَلَيَّ، قَالَ: «لاَ» فَنَثَرَ مِنْهُ، ثُمَّ احْتَمَلَهُ، فَأَلْقَاهُ عَلَى كَاهِلِهِ، ثُمَّ انْطَلَقَ، فَمَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُتْبِعُهُ بَصَرَهُ حَتَّى خَفِيَ عَلَيْنَا - عَجَبًا مِنْ حِرْصِهِ - فَمَا قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَثَمَّ مِنْهَا دِرْهَمٌ.

(نام کتاب : صحيح البخاري نويسنده : البخاري   جلد : ۱ صفحه : ۹۱)

ذکر این مطلب ضروری است که تنبه به این نکته، در ابتدا توسط برادر ارجمند، جناب آقای سید علیرضا مددی صورت گرفته است.

اموال رسول الله ص بعد از رحلت

یکی از مباحث مطرح شده از سوی شیعه و اهل سنت، مربوط به اموال و دارایی های رسول الله ص بعد از رحلت می باشد، ابن قیم از علمای اهل سنت، در کتاب زاد المعاد خود، در این باره مطالب مفید و قابل استنادی دارند، برخی از علمای شیعه نیز در مقدمه مباحث مربوط به فدک، در اینباره مطالبی را جمع آوری کرده اند.

از جمله اموال ذکر شده یعفور الاغ مربوط به رسول الله، و فضه خادمه حضرت بوده است، اموال فراوانی که به رسول الله ص منتسب می باشند و یکی از موارد مورد ادعای حضرت زهراء سلام الله علیها می باشند.

متن کتاب زاد المعاد:

وَقَدْ رَوَى الطَّبَرَانِيُّ فِي مُعْجَمِهِ حَدِيثًا جَامِعًا فِي الْآنِيَةِ مِنْ حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: («كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيْفٌ قَائِمَتُهُ مِنْ فِضَّةٍ وَقَبِيعَتُهُ مِنْ فِضَّةٍ وَكَانَ يُسَمَّى: ذَا الْفِقَارِ وَكَانَتْ لَهُ قَوْسٌ تُسَمَّى: السَّدَادَ، وَكَانَتْ لَهُ كِنَانَةٌ تُسَمَّى: الْجَمْعَ، وَكَانَتْ لَهُ دِرْعٌ مُوَشَّحَةٌ بِالنُّحَاسِ تُسَمَّى: ذَاتَ الْفُضُولِ، وَكَانَتْ لَهُ حَرْبَةٌ تُسَمَّى: النَّبْعَاءَ، وَكَانَ لَهُ مِحْجَنٌ يُسَمَّى: الدَّقْنَ، وَكَانَ لَهُ تُرْسٌ أَبْيَضُ يُسَمَّى: الْمُوجَزَ، وَكَانَ لَهُ فَرَسٌ أَدْهَمُ يُسَمَّى: السَّكْبَ، وَكَانَ لَهُ سَرْجٌ يُسَمَّى: الدَّاجَ، وَكَانَتْ لَهُ بَغْلَةٌ شَهْبَاءُ تُسَمَّى: دُلْدُلَ، وَكَانَتْ لَهُ نَاقَةٌ تُسَمَّى: الْقَصْوَاءَ، وَكَانَ لَهُ حِمَارٌ يُسَمَّى: يَعْفُورَ، وَكَانَ لَهُ بِسَاطٌ يُسَمَّى: الْكِنَّ، وَكَانَتْ لَهُ عَنَزَةٌ تُسَمَّى: الْقُمْرَةَ، وَكَانَتْ لَهُ رَكْوَةٌ تُسَمَّى: الصَّادِرَةَ، وَكَانَ لَهُ مِقْرَاضٌ اسْمُهُ الْجَامِعُ، وَمِرْآةٌ وَقَضِيبٌ شَوْحَطٌ يُسَمَّى: الْمُوْتَ»)

(نام کتاب : زاد المعاد في هدي خير العباد نویسنده : ابن القيم   جلد : ۱ صفحه : ۱۲۸)

با توجه به آنچه گذشت، غصب های متعددی توسط بانیان سقیفه، پس از رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روی داده است، و شایسته است هر یک از این دعاوی به صورت مجزی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، چرا که هر یک از دعاوی موجود، دلایلی برای ثبوت دارند، و روشن است که بیان این مسئله در زمان حاظر، به فهم هر چه بیشتر و بهتر تاریخ کمک شایانی خواهد نمود، علاوه بر این که بی شک اثبات هر یک از این دعاوی به نوبه خود، دلیلی بر حقانیت و مظلومیت مذهب شیعه و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خواهد بود.

در پایان ذکر این نکته الزامی است که بیانات و درس گفتارهای ارزشمند حضرت آیت الله مددی، به صورت پراکنده و در طول سالیان متمادی بوده است، و نگارنده با جمع آوری مطالب مختلف دسته بندی و جمله بندی و... مقاله پیش رو را تدوین و تحقیق نموده است.

والله العالم بحقائق الأمور

محمد علوی

۱ جمادی الأولی ۱٤٤۱ هجری